



عصر یویا

اندیشکده حکمرانے

پایز ۱۴۰۴



تأثیر بستن تنگه هرمز توسط ایران بر امنیت انرژی جهانی:

تحلیل سناریو محور

در ماه‌های اخیر، تهدیدهای مکرر درباره احتمال اختلال یا انسداد تنگه هرمز بار دیگر این گذرگاه باریک اما حیاتی را در مرکز توجه اقتصاد جهانی قرار داده است. هرچند بخش عمده صادرات نفت خام عبوری از هرمز به سمت بازارهای آسیایی حرکت می‌کند، اما پیامدهای هرگونه تنش در این منطقه نه تنها به خاورمیانه محدود نمی‌شود، بلکه با سرعت بالا به اقتصادهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده و اروپا منتقل می‌گردد. دلیل این موضوع ساده است: بازار جهانی انرژی درهم‌تنیده‌تر از آن است که یک شوک منطقه‌ای در خلیج فارس بی‌اثر بماند، و در عین حال آمریکا و اروپا از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حساسیت شدیدتری نسبت به قیمت انرژی دارند.

تجربه بحران‌های گذشته نشان می‌دهد که حتی یک تهدید لفظی درباره ناامن شدن مسیر هرمز می‌تواند قیمت جهانی نفت را ظرف چند ساعت دچار نوسان کند؛ نوسانی که در غرب فوراً به زبان «قیمت بنزین» ترجمه می‌شود. در ایالات متحده، افزایش چند ده‌سنتی قیمت هر گالن بنزین قادر است شاخص‌های اعتماد مصرف‌کننده، محبوبیت دولت، فضای انتخاباتی و میزان نارضایتی اجتماعی را تغییر دهد. در اروپا نیز شوک‌های انرژی می‌تواند موتور صنایع را کند کرده و فشار تورمی را دوباره فعال کند؛ به‌خصوص در شرایطی که اقتصاد این قاره هنوز از پیامدهای بحران انرژی ۲۰۲۲ فاصله زیادی نگرفته است.

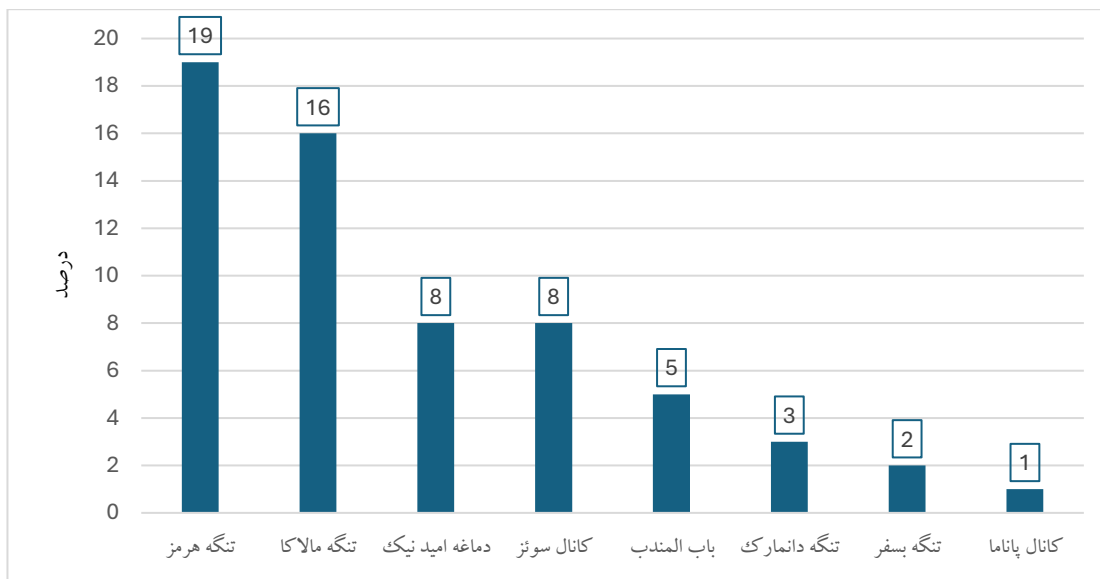


شکل ۱. محدوده تنگه هرمز میان ایران و عمان

از همین رو، مسئله تنگه هرمز تنها یک موضوع ژئوپولیتیکی یا امنیتی نیست؛ بلکه یک متغیر کلیدی در ثبات سیاسی و اجتماعی غرب است. این گزارش تلاش می‌کند نشان دهد که هر سطح از اختلال (از تهدید محدود تا انسداد کامل) چگونه می‌تواند زنجیره‌ای از واکنش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در ایالات متحده و اروپا فعال کند و چه پیامدهایی برای نظم انرژی جهانی خواهد داشت.

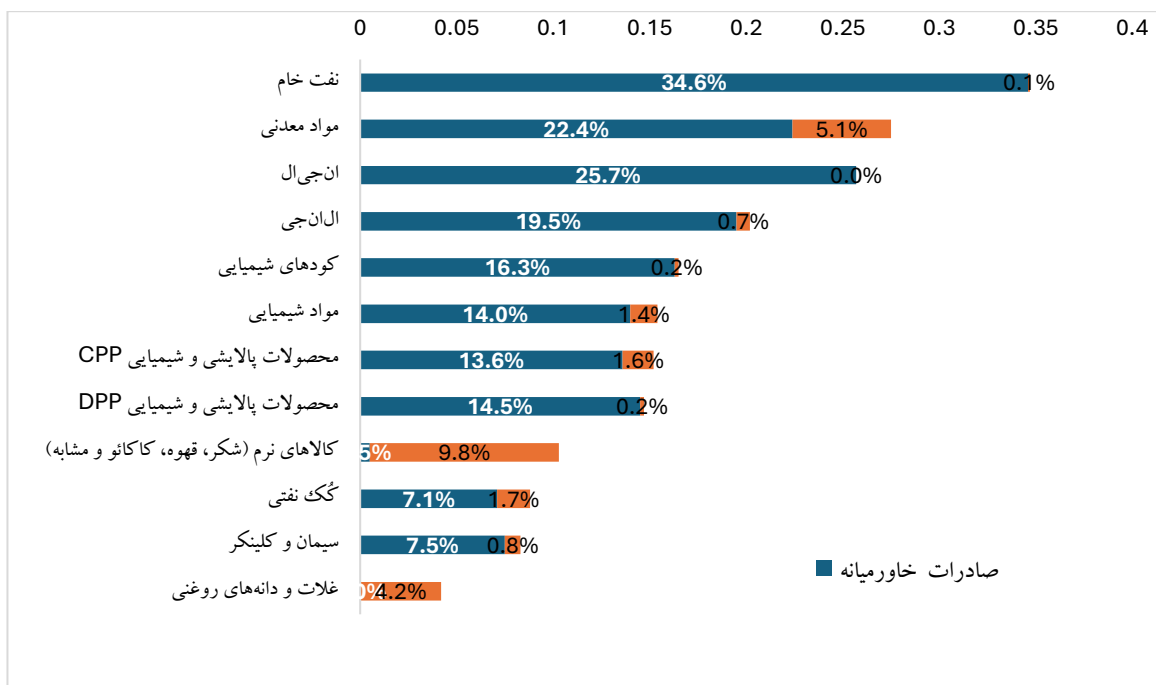
۱- اهمیت ژئوپولیتیکی و اقتصادی تنگه هرمز

تنگه هرمز در نگاه نخست تنها یک گذرگاه باریک دریایی در جنوب ایران به‌نظر می‌رسد، اما در واقع شاه‌رگ حیاتی شبکه انرژی جهان است؛ مسیری که از طریق آن حجم عظیمی از نفت، گاز طبیعی مایع (LNG)، مایعات گاز طبیعی (NGL)، مواد شیمیایی و کالاهای انرژی‌پایه به بازارهای جهانی منتقل می‌شود. اهمیت این گذرگاه تنها به حجم فیزیکی تردد مرتبط نیست، بلکه به «نبود جایگزین واقعی» بازمی‌گردد؛ موضوعی که آسیب‌پذیری ساختاری جهان نسبت به هرگونه تغییر در وضعیت هرمز را توضیح می‌دهد. بر اساس داده‌های ۲۰۲۴، حدود یک‌سوم تجارت دریایی نفت خام جهان از این تنگه عبور می‌کند و بیش از ۸۰ درصد آن راهی بازارهای آسیایی می‌شود. با این حال، اثر قیمتی هر شوک در هرمز بیش از همه در بازارهای غربی (به‌ویژه آمریکا) احساس می‌شود، زیرا بازار جهانی نفت به‌طور لحظه‌ای بر اساس انتظارات و ریسک‌ها قیمت‌گذاری می‌شود.



نمودار ۱. سهم تنگه و کانال‌های مهم در عبور نفت خام جهان

از نظر جغرافیایی، باریک‌ترین نقطه تنگه حدود ۳۹ کیلومتر عرض دارد و مسیر اصلی کشتیرانی تنها حدود ۳/۷ کیلومتر پهنا دارد. این ابعاد کوچک باعث می‌شود هرگونه تنش، حادثه یا تهدید حتی بدون وقوع انسداد واقعی، بلافاصله هزینه بیمه حمل‌ونقل و ریسک بازار را افزایش دهد. همین افزایش ریسک کافی است تا قیمت نفت جهش کند؛ جهشی که در ایالات متحده بی‌درنگ به افزایش هزینه سوخت، رشد نارضایتی اجتماعی و فشار سیاسی بر دولت تبدیل می‌شود.



نمودار ۲. سهم جریان جهانی کالاهای دریایی که از تنگه هرمز در سال ۲۰۲۴ عبور می‌کنند (واردات + صادرات)

منبع: Kpler, Jun ۲۰۲۵

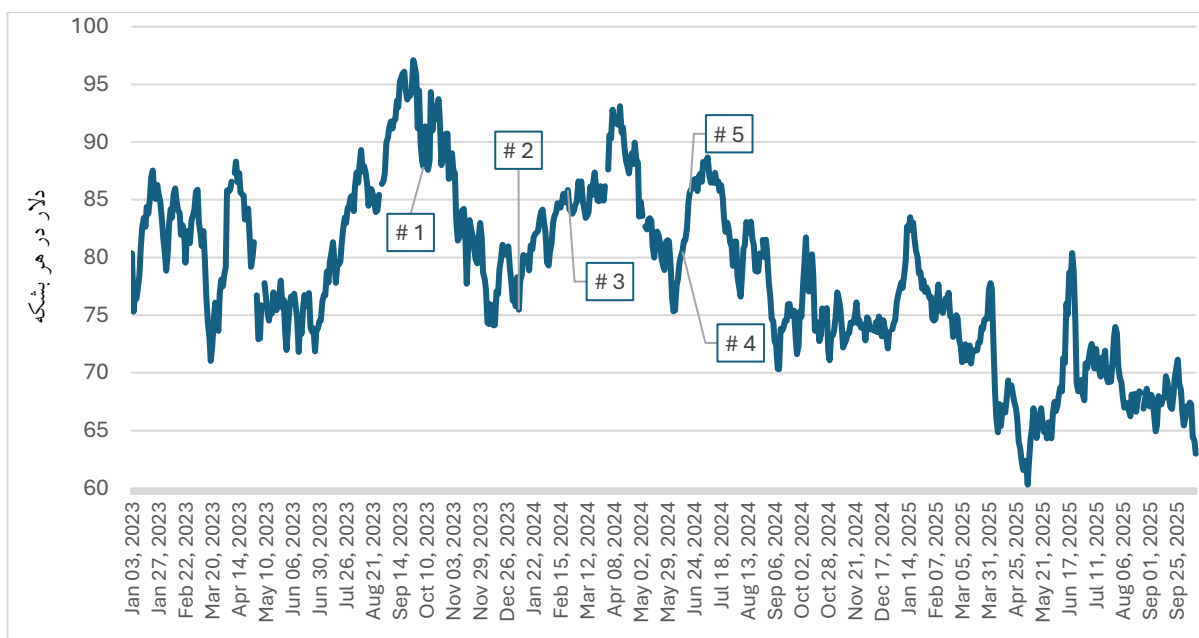
در اروپا نیز وابستگی به واردات انرژی، به‌خصوص LNG خلیج فارس، موجب شده هر اختلال بالقوه در هرمز مستقیماً بر قیمت برق و هزینه تولید صنایع اثر بگذارد. اقتصادهای صنعتی آلمان، ایتالیا و کشورهای اروپای جنوبی به‌طور ویژه نسبت به شوک انرژی حساس هستند و در سال‌های اخیر هر افزایش قیمت انرژی به سرعت به تورم ساختاری و نارضایتی اجتماعی تبدیل شده است.

در مجموع، اهمیت ژئوپولیتیکی تنگه هرمز از دو منبع ناشی می‌شود: نخست، جایگاه بی‌رقیب آن در توازن عرضه نفت جهان؛ و دوم، حساسیت فوق‌العاده آمریکا و اروپا نسبت به قیمت انرژی. این ترکیب باعث می‌شود هرمز نه تنها یک نقطه استراتژیک منطقه‌ای، بلکه یکی از مؤثرترین اهرم‌های شکل‌دهنده به سیاست داخلی و خارجی غرب باشد.

۲- الگوی تاریخی واکنش بازار به تنش‌های ژئوپولیتیکی

بازار جهانی نفت در دهه‌های اخیر بارها نشان داده که در برابر تنش‌های ژئوپولیتیکی خلیج فارس فوق‌العاده حساس است؛ حساسیتی که تنها به اختلال فیزیکی در عرضه محدود نمی‌شود، بلکه حتی «انتظار» بروز بحران

نیز کافی است تا قیمت‌ها در مسیر صعودی قرار گیرند. بررسی واکنش بازار طی سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ به‌روشنی این واقعیت را تأیید می‌کند: از درگیری غزه در سال ۲۰۲۳ گرفته تا حملات پهنپادی حوثی‌ها، تهدید رسمی ایران به بستن هرمز در ۲۰۲۵ و درگیری مستقیم ایران و اسرائیل، تمامی این رویدادها بدون استثنا سبب جهش قیمت برنت شده‌اند؛ جهش‌هایی که غالباً در بازه چند ساعته تا چندروزه رخ داده و نشان‌دهنده حساسیت شدید بازار به ریسک‌های ژئوپولیتیک است.



نمودار ۳. وقایع‌نگاری رویدادهای ژئوپولیتیکی بر روی قیمت جهانی نفت برنت

منبع: EIA, ۲۰۲۵^۱

جدول ۱. رویدادها و تنش‌های ژئوپولیتیکی و تأثیر آن بر قیمت جهانی نفت

ردیف	تاریخ	رویداد ژئوپولیتیکی	شرح	تغییر تقریبی قیمت نفت برنت (دلار در هر بشکه)
۱	۲۰۲۳-۱۰-۰۷	تشدید درگیری‌های اسرائیل در غزه	آغاز درگیری‌های غزه؛ افزایش پرمیوم ژئوپولیتیکی در خاورمیانه	۴ الی ۵ دلار افزایش

^۱ http://www.eia.gov/dnav/pet/pet_pri_spt_s1_d.htm



۲	۲۰۲۴-۰۱-۱۲	حمله حوثی‌ها به نفتکش‌ها در دریای سرخ	حمله به تانکرهاى تجارى در مسیر باب‌المندب؛ افزایش ریسک حمل‌ونقل	۰/۸ الی ۱ دلار افزایش
۳	۲۰۲۴-۰۲-۲۶	مذاکرات آتش‌بس و کاهش نگرانی‌ها از اختلال عرضه	امید به کاهش تنش‌ها و بازگشت مسیرهای حمل‌ونقل؛ افت موقت قیمت	۱/۵ الی ۲ دلار کاهش
۴	۲۰۲۵-۰۶-۱۳	حمله اسرائیل به اهداف ایرانی	افزایش ریسک ژئوپولیتیکی و نگرانی از اختلال صادرات؛ جهش قیمت	۷ الی ۱۳ دلار افزایش
۵	۲۰۲۵-۰۶-۱۹ / ۲۲	تهدید ایران به بستن تنگه هرمز	تهدید بستن تنگه هرمز؛ بازار دچار پریمیوم ریسک ولی بدون اختلال واقعی	۲ الی ۳ دلار افزایش

در اکتبر ۲۰۲۳، آغاز درگیری غزه-اسرائیل به‌تنهایی ۴ تا ۵ دلار به قیمت نفت افزود. چند ماه بعد، حملات پهبادی به نفتکش‌ها در دریای سرخ باعث افزایش هزینه بیمه، اختلال در خطوط کشتیرانی و رشد ۱ دلاری قیمت برنت شد. اما نقطه اوج این واکنش‌ها در ژوئن ۲۰۲۵ رقم خورد؛ زمانی که حمله اسرائیل به اهدافی در خاک ایران باعث افزایش ۷ تا ۱۳ دلاری قیمت نفت شد. حتی تهدید لفظی ایران در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ برای بستن تنگه هرمز، بدون آن که هیچ اختلال واقعی در صادرات رخ دهد، ۲ تا ۳ دلار قیمت را بالا برد.

اهمیت این واکنش‌ها برای ایالات متحده و اروپا بسیار بالاست، زیرا بازار انرژی در غرب تحت تأثیر انتظارات روانی و سیاسی قرار دارد. افزایش قیمت جهانی نفت بلافاصله به افزایش قیمت بنزین در آمریکا منجر می‌شود؛ افزایشی که می‌تواند اعتماد مصرف‌کننده، شاخص تورمی، سبد هزینه خانوار و حتی فضای انتخاباتی را تغییر دهد. در اروپا نیز هر شوک ژئوپولیتیکی معادل فشار مستقیم بر صنایع انرژی‌بر، بازار برق و سیاست‌گذاری اقتصادی است.

۳- تحلیل سناریوها (S۱، S۲، S۳)

سناریوهای سه‌گانه اختلال در تنگه هرمز را می‌توان به‌عنوان سه سطح متفاوت از «شوک انرژی» در نظر گرفت که هر یک قادرند زنجیره‌ای از پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و ژئوپولیتیکی را در جهان فعال کنند. نکته اساسی این است که شدت بحران لزوماً به حجم فیزیکی اختلال محدود نمی‌شود؛ بلکه «انتظارات»، «برداشت بازار» و «انعکاس سیاسی در غرب» بخش بزرگی از ابعاد بحران را شکل می‌دهد. در ایالات متحده، این سناریوها بیش از همه با قیمت بنزین پیوند می‌خورند؛ زیرا حساسیت اجتماعی آمریکایی‌ها نسبت به هزینه سوخت، یکی از سریع‌ترین و قوی‌ترین محرک‌های نارضایتی عمومی و تغییر رفتار رأی‌دهندگان است. در اروپا نیز شوک انرژی



می‌تواند موتور صنایع را مختل و تورم را دوباره فعال کند. از این منظر، هر سطح از اختلال در هرمز تنها یک تحول اقتصادی نیست، بلکه یک رخداد سیاسی و اجتماعی با برد جهانی است.

۱-۳- سناریوی اول - اختلال جزئی (S۱)

سناریوی نخست به شرایطی اشاره دارد که در آن تنگه هرمز کاملاً بسته نمی‌شود، اما سطح تنش و ریسک به اندازه‌ای بالا می‌رود که بازارهای جهانی آن را یک تهدید معتبر تلقی می‌کنند. در این سطح از بحران، ممکن است یک حادثه محدود برای یک نفتکش، افزایش حضور شناورهای نظامی، یا هشدارهای رسمی ایران درباره کنترل تردد نفتکش‌ها کافی باشد تا بازار بلافاصله واکنش نشان دهد.

بازار جهانی نفت در سناریوی اول چه واکنشی نشان می‌دهد؟

طبق الگوهای تاریخی، افزایش ریسک حتی بدون اختلال فیزیکی باعث می‌شود قیمت نفت بین ۵ تا ۱۰ دلار بالا رود. این افزایش شاید در ظاهر قابل‌مدیریت باشد، اما در ایالات متحده بلافاصله به افزایش قیمت بنزین ترجمه می‌شود. بر اساس داده‌های گزارش، در این سناریو قیمت بنزین در آمریکا به حدود ۴ دلار در هر گالن نزدیک می‌شود؛ سطحی که معمولاً موجی از نارضایتی عمومی، هجمه رسانه‌ای و انتقادات حزبی را علیه دولت حاکم ایجاد می‌کند.

پیامدهای اجتماعی و سیاسی در آمریکا:

افزایش قیمت بنزین به محدوده ۴ دلار، یک آستانه روانی مهم برای مصرف‌کنندگان آمریکایی است. در دهه‌های اخیر، هرگاه قیمت سوخت به این میزان نزدیک شده، شاخص اعتماد مصرف‌کننده افت کرده، مخالفت عمومی با سیاست خارجی آمریکا افزایش یافته و حزب حاکم تحت فشار قرار گرفته است. در این سناریو هنوز صحبت از اعتراضات گسترده نیست، اما نارضایتی اجتماعی آشکار می‌شود و دولت تحت فشار قرار می‌گیرد تا از اقدامات نظامی پرهیز کند و به‌جای آن از کانال‌های دیپلماتیک تنش را کاهش دهد.

پیامدهای اقتصادی و سیاسی برای اروپا:

در اروپا، سطح اثرگذاری این سناریو محدودتر است. قیمت انرژی افزایش می‌یابد، اما هنوز بحران‌زا نیست. با این حال، کشورهای جنوب اروپا بیش از سایر نقاط آسیب‌پذیرند. اعتراضات کوچک اجتماعی و شکاف در حمایت یکپارچه اروپا از سیاست‌های آمریکا ممکن است بروز کند، به‌خصوص اگر فشار انرژی موجب افزایش هزینه برق و سوخت شود.



در مجموع، سناریوی اول یک بحران محدود اما هشداردهنده است: اختلالی که اگر مهار نشود، به سرعت می تواند زمینه ساز سناریوهای بعدی شود.

۲-۳ - سناریوی دوم - انسداد موقت (S۲)

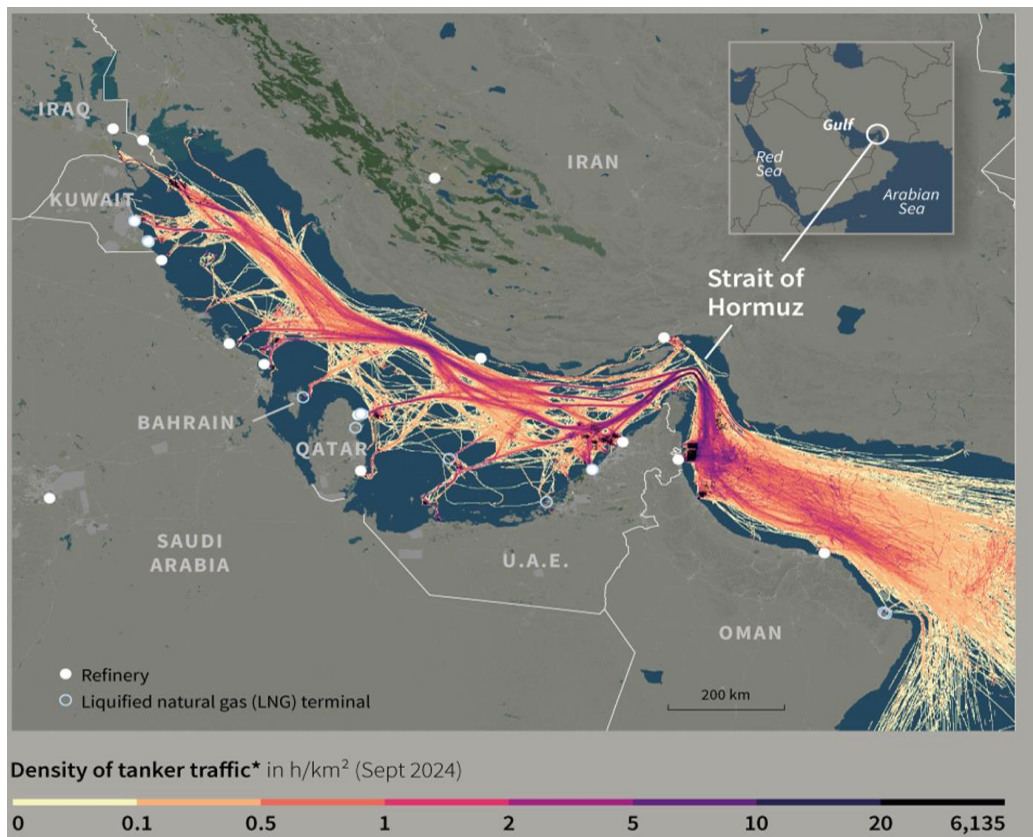
در سناریوی دوم، بحران وارد مرحله ای می شود که جریان صادرات انرژی از تنگه هرمز به طور موقت مختل یا بسیار کند می شود. این اختلال می تواند ناشی از درگیری محدود دریایی، حمله به یک کشتی بزرگ، مین گذاری احتمالی یا تصمیم ایران برای توقف موقت تردد باشد—بدون آن که به طور کامل مسیر بسته شود.

در این حالت، چند میلیون بشکه از عرضه روزانه نفت جهان حذف یا عملاً به تأخیر می افتد. این میزان کافی است تا قیمت نفت به نزدیکی ۱۰۰ دلار در هر بشکه برسد. از آن جا که ایالات متحده به واردات گسترده نفت از هرمز وابسته نیست، از نظر فیزیکی آسیب چندانی نمی بیند؛ اما از نظر قیمتی و روانی، بیشترین فشار بر بازار داخلی آمریکا اعمال می شود.

پیامدها برای آمریکا:

- قیمت بنزین به ۴/۵ تا ۵ دلار در هر گالن می رسد.
- شاخص های تورمی بالا می رود و خانوارهای کم درآمد به شدت تحت فشار قرار می گیرند.
- موج نارضایتی اجتماعی محتمل است.
- فضای انتخاباتی به هم می ریزد و مخالفت ها با سیاست خارجی دولت افزایش می یابد.
- لابی های انرژی، رسانه ها و احزاب مخالف دولت فشار سنگینی ایجاد می کنند.

در چنین شرایطی، دولت آمریکا معمولاً از اقدام نظامی مستقیم پرهیز می کند، زیرا هرگونه تشدید بحران می تواند قیمت بنزین را حتی از مرز ۵ دلار نیز عبور دهد. بنابراین مسیر ترجیحی واشنگتن استفاده از دیپلماسی، میانجی گری متحدان و ارسال پیام های بازدارنده است.



شکل ۲. جریان حرکت کشتی‌ها از تنگه هرمز (تراکم ترافیک تانکرها)

پیامدها برای اروپا:

اروپا در این سطح از بحران ضربه جدی‌تر می‌خورد. افزایش قیمت نفت و انرژی به‌ویژه در کشورهای صنعتی اروپا فشار شدیدی بر تولید، هزینه برق و زنجیره تأمین وارد می‌کند. صنایع آلمان، ایتالیا و فرانسه بیشترین آسیب را می‌بینند. کشورهای اروپای جنوبی با نارضایتی اجتماعی روبه‌رو می‌شوند و شکاف در موضع مشترک اروپا نسبت به سیاست‌های آمریکا آغاز می‌شود.

نقش چین و هند:

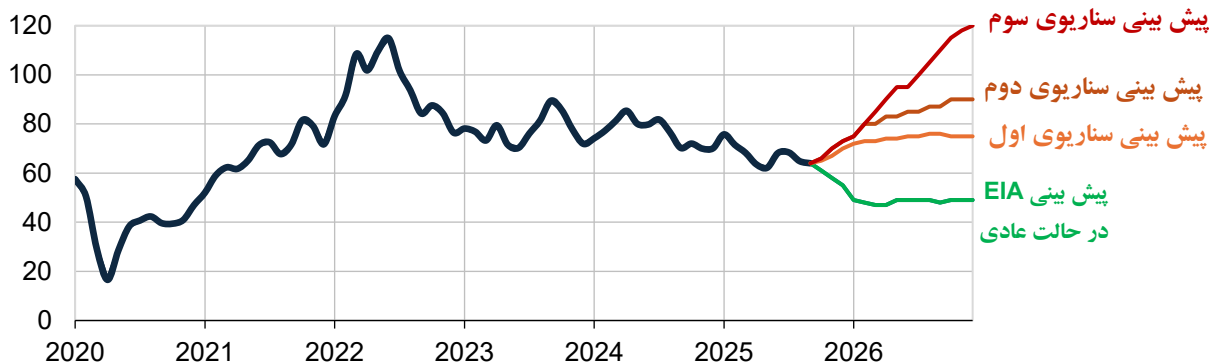
در این سناریو، چین و هند به‌عنوان بازیگران کلیدی مصرف‌کننده انرژی وارد میدان می‌شوند. آن‌ها تلاش می‌کنند میانجی‌گری کرده و از تشدید بحران جلوگیری کنند، زیرا وابستگی انرژی آن‌ها به جریان فیزیکی هرمز بسیار بیشتر از غرب است.

در کل، سناریوی دوم یک بحران واقعی انرژی است که اثرات اقتصادی آن جهانی بوده و پیامدهای اجتماعی آن در آمریکا و اروپا قابل توجه است.

۳-۳- سناریوی سوم – انسداد کامل (S۳)

سناریوی سوم شدیدترین و پرهزینه‌ترین حالت بحران است؛ وضعیتی که در آن تنگه هرمز به‌طور کامل بسته می‌شود و بیش از ۱۵ میلیون بشکه در روز از عرضه جهان حذف می‌گردد. چنین رخدادی نه‌تنها بازار جهانی انرژی، بلکه نظم سیاسی و امنیتی جهان را دچار اختلال می‌کند.

West Texas Intermediate (WTI) crude oil price



Data source: U.S. Energy Information Administration, Short-Term Energy Outlook, October 2025, Bloomberg, L.P., and Refinitiv an LSEG Business

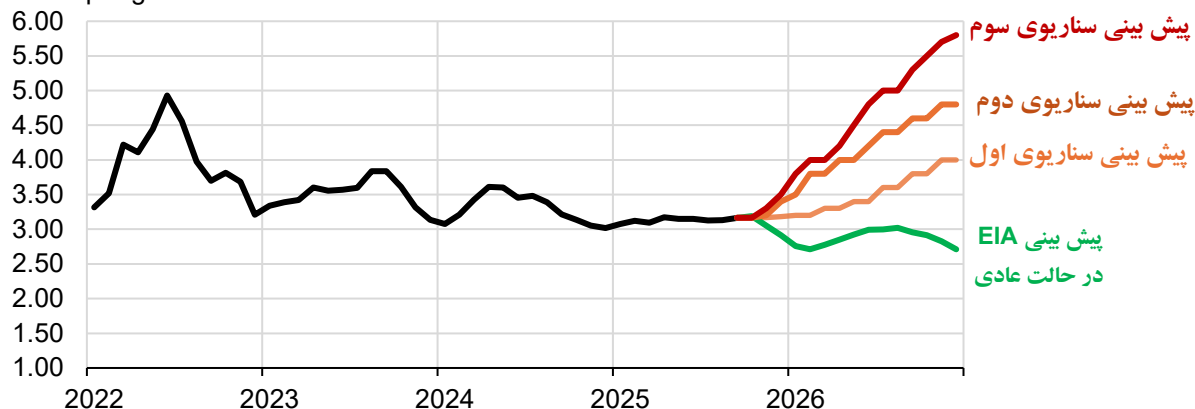
نمودار ۸. مقایسه پیش بینی قیمت نفت خام WTI تحت سناریوهای مختلف

در این سناریو، قیمت نفت به‌سرعت از مرز ۱۲۰ دلار عبور می‌کند. پیامد آن برای ایالات متحده کاملاً روشن است: قیمت بنزین احتمالاً به ۵.۵ تا ۶ دلار در هر گالن می‌رسد؛ سطحی که در تاریخ معاصر آمریکا تقریباً بی‌سابقه است و می‌تواند موج اعتراضات اجتماعی را در ابعاد گسترده فعال کند.



U.S. retail regular gasoline

dollars per gallon



Data source: U.S. Energy Information Administration, Short-Term Energy Outlook, October ۲۰۲۰, and Refinitiv an LSEG Business

نمودار ۹. مقایسه پیش بینی قیمت خرده فروشی بنزین در آمریکا (دلار در هر گالن) تحت سناریوهای مختلف

پیامدهای اجتماعی-سیاسی در آمریکا:

- افزایش شدید هزینه سوخت، حمل و نقل و قیمت کالاهای اساسی
- کاهش اعتماد مصرف کننده و رشد نارضایتی عمومی
- تشکیل صفهای طولانی در جایگاههای سوخت
- احتمال شکل گیری اعتراضات شهری مشابه بحرانهای دهه ۷۰ میلادی
- فشار گسترده بر دولت فدرال برای اتخاذ موضع سخت تر یا پایان دادن به تنش
- تأثیر عمیق بر انتخابات ریاست جمهوری و کنگره

در این مرحله، بحران انرژی به طور مستقیم از یک مسئله اقتصادی به یک بحران سیاسی-اجتماعی داخلی در ایالات متحده تبدیل می شود. در چنین سطحی، هر دولت آمریکایی مجبور است میان سه گزینه دشوار انتخاب کند:

- (۱) مداخله نظامی برای باز کردن مسیر
- (۲) پذیرش بحران و مدیریت داخلی آن
- (۳) اعمال فشار دیپلماتیک و توافق اضطراری



هر یک از این گزینه‌ها هزینه‌های سنگینی به همراه دارد.

پیامدها برای اروپا:

اروپا با بدترین وضعیت انرژی پس از بحران ۲۰۲۲ مواجه می‌شود. قیمت گاز، برق و نفت به شدت بالا می‌رود و صنایع انرژی‌بر در آستانه تعطیلی قرار می‌گیرند. تورم ساختاری تشدید شده و فشارهای اجتماعی در کشورهای جنوب اروپا می‌تواند به اعتراضات گسترده منجر شود. از سوی دیگر، واردات LNG از آمریکا و قطر نیز به دلیل افزایش رقابت جهانی با محدودیت مواجه می‌شود.

نقش ایران و پیامدهای ژئوپولیتیکی:

البته در سناریوی سوم احتمال درگیری نظامی وجود دارد. چین و هند که در سناریوی دوم نقش میانجی داشتند، در این مرحله احتمالاً تحت فشار قرار گیرند تا طرفی را انتخاب کنند. خلیج فارس به منطقه‌ای بسیار پرتنش تبدیل می‌شود که هر حادثه کوچک در آن می‌تواند دامنه بحران را گسترده‌تر کند.

جدول ۲. واکنش بازیگران کلیدی در سناریوهای سه‌گانه

سناریوی سوم (انسداد کامل)	سناریوی دوم (انسداد موقت)	سناریوی اول (اختلال جزئی)	بازیگر
قیمت بنزین از ۵ دلار در هر گالن عبور می‌کند. کشور وارد بحران نارضایتی داخلی از منظر افزایش قیمت حامل‌های انرژی می‌شود. اجماع سیاسی برای اقدام نظامی علیه ایران شکل می‌گیرد.	قیمت بنزین از ۴/۵ دلار در هر گالن عبور می‌کند. اعتراضات اجتماعی در ایالت‌های پرمصرف انرژی تشدید می‌شود. دولت به آزادسازی ذخایر استراتژیک نفت برای مدیریت بازار انرژی در داخل و مذاکره دیپلماتیک همزمان با تهدید به توسل به حمله نظامی روی می‌آورد.	قیمت بنزین به حدود ۴ دلار در هر گالن می‌رسد. موجی از فشار رسانه‌ای و انتقادات حزبی شکل می‌گیرد. دولت از پاسخ نظامی خودداری کرده و صرفاً به پیام‌های بازدارنده و هشدار آمیز بسنده می‌کند.	ایالات متحده



کشورهای حوزه خلیج فارس	سطح هشدار در تأسیسات بندری و پالایشی افزایش می‌یابد. اقدام تهاجمی رسمی صورت نمی‌گیرد.	عربستان و امارات از خطوط لوله جایگزین استفاده می‌کنند، اما با افت صادرات مواجه می‌شوند. قطر آسیب‌پذیری شدیدتری نسبت به سایر کشورها به دلیل وابستگی به صادرات ال‌ان‌جی از طریق تنگه دارد.	بخش عمده صادرات نفت و ال‌ان‌جی این کشورها متوقف می‌شود. این کشورها به احتمال زیاد به ائتلاف نظامی علیه ایران می‌پیوندند، ولی نگران بی‌ثباتی داخلی و واکنش ایران نیز خواهند بود.
واردکنندگان آسیایی	هزینه بیمه و حمل‌ونقل محموله‌های انرژی افزایش می‌یابد. نگرانی‌ها درباره پایداری تأمین انرژی افزایش می‌یابد. واکنش دیپلماتیک فعلاً محدود و در حد دعوت به خویش‌داشتن داری طرفین درگیر است.	جریان واردات دچار اختلال جدی می‌شود. برداشت از ذخایر اضطراری آغاز می‌گردد. چین و هند نقش میانجی و متعادل‌کننده در بحران پیدا می‌کنند.	بحران شدید تأمین شکل می‌گیرد. دولت‌ها ناچار به جیره‌بندی و دیپلماسی فشار به طرفین درگیر برای توقف درگیری می‌شوند.
اروپا	نوسانات قیمت انرژی محدود است. دولت‌ها وضعیت را زیر نظر دارند، اما واکنش رسمی یا سیاسی خاصی نشان نمی‌دهند.	قیمت انرژی به‌ویژه در اروپا جنوبی افزایش می‌یابد. اعتراضات اجتماعی کوچک و شکاف در موضع حمایتی نسبت به آمریکا پدید می‌آید.	بحران انرژی و تورم ناشی از آن در بسیاری از کشورها تشدید می‌شود. فضای سیاسی بی‌ثبات شده و فشار برای یافتن راه‌حل سیاسی یا کاهش تقابل با ایران افزایش می‌یابد.

۴- تحلیل چهار بُعد امنیت انرژی در سناریوهای مختلف

درک پیامدهای اختلال در تنگه هرمز تنها با بررسی قیمت نفت یا میزان عرضه ممکن نیست؛ زیرا بحران‌های انرژی همواره چهار بُعد اصلی دارند: اقتصادی، قابلیت اطمینان، ژئوپولیتیکی و محیط‌زیستی. این ابعاد در سه سناریوی S^۱، S^۲ و S^۳ شدت‌های متفاوتی پیدا می‌کنند و برهم‌کنش آن‌هاست که شکل نهایی بحران را تعیین می‌کند.



۱-۴ - بُعد اقتصادی

در سناریوی اول، افزایش قیمت نفت به حدود ۵ تا ۱۰ دلار محدود می‌شود، اما در آمریکا همین میزان برای نزدیک شدن قیمت بنزین به ۴ دلار کافی است؛ سطحی که معمولاً موجی از نارضایتی سیاسی و رسانه‌ای تولید می‌کند. در سناریوی دوم، جهش ۴۰ درصدی قیمت نفت و رسیدن بنزین به ۴.۵-۵ دلار، فشار اقتصادی شدیدی ایجاد کرده و احتمال اعتراضات اجتماعی را بالا می‌برد. اما سناریوی سوم با قیمت نفت ۱۲۰+ دلاری و بنزین ۵.۵ الی ۶ دلار، اقتصاد آمریکا و اروپا را وارد بحران می‌کند؛ از رکود اقتصادی گرفته تا سقوط اعتماد مصرف‌کننده و افزایش تورم.

۲-۴ - بُعد قابلیت اطمینان^۲

در S^۱ هنوز جریان فیزیکی متوقف نشده، اما افزایش حق بیمه و کاهش اعتماد بازار، رفتار احتیاطی کشورها را فعال می‌کند. در S^۲ کمبود عرضه و نیاز به برداشت از ذخایر استراتژیک آغاز می‌شود. در S^۳ اما سیستم جهانی با یک شوک ساختاری روبه‌روست و ذخایر استراتژیک حتی در کوتاه‌مدت هم پاسخ‌گوی شوک نیستند.

۳-۴ - بُعد ژئوپولیتیکی

با بالا رفتن شدت بحران، احتمال شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید، فشار بر ایران، درگیری احتمالی و شکاف در موضع کشورهای غربی افزایش می‌یابد. در سناریوی سوم، حتی اتحادهای دیرینه نیز ممکن است با فشار اجتماعی داخلی متزلزل شوند، به‌ویژه در ایالات متحده و اروپا که هزینه سیاسی بحران بسیار بالاست.

۴-۴ - بُعد محیط‌زیستی

ریسک نشت نفت، حادثه برای تانکرها و آلودگی دریایی با تشدید بحران افزایش می‌یابد. در S^۳ احتمال نشت گسترده نفت و تخریب اکوسیستم‌ها وجود دارد؛ پدیده‌ای که خود می‌تواند پیامدهای سیاسی و حقوقی را برای کشورهای منطقه و بازیگران جهانی فعال کند.

جدول ۳. مقایسه پیامدها در سناریوهای مختلف در قالب تحلیل ابعاد چهارگانه امنیت انرژی

بُعد امنیت انرژی	سناریوی اول (اختلال جزئی)	سناریوی دوم (انسداد موقت)	سناریوی سوم (انسداد کامل)
------------------	---------------------------	---------------------------	---------------------------

^۲ Reliability



اقتصادی	قیمت نفت بین ۵ تا ۱۰ دلار افزایش می‌یابد. در آمریکا، قیمت بنزین به سطح ۴ دلار در هر گالن نزدیک می‌شود و فشار اجتماعی رشد می‌کند.	قیمت نفت تا ۴۰ درصد افزایش می‌یابد. بنزین در آمریکا به حدود ۵ دلار در هر گالن و در اروپا قیمت انرژی جهش می‌کند.	نفت به بالای ۱۲۰ دلار می‌رسد. رکود تورمی، سقوط بازارهای مالی و اعتراضات اجتماعی در کشورهای مختلف شکل می‌گیرد.
قابلیت اطمینان	اختلال فیزیکی جدی رخ نمی‌دهد. هزینه بیمه و نااطمینانی به‌طور محسوسی افزایش می‌یابد.	۲۰ تا ۳۰ درصد از جریان انرژی مختل می‌شود. مسیرهای جایگزین بخشی از نیاز را پوشش می‌دهند اما کافی نیستند.	حدود ۶۰ درصد از صادرات انرژی منطقه متوقف می‌شود. کشورهای آسیایی وارد بحران واقعی تأمین انرژی می‌شوند.
ژئوپولیتیکی	ایران قدرت بازدارندگی خود را نمایش می‌دهد. مواضع بازیگران عمدتاً محتاط و متوازن باقی می‌مانند.	ایران موقعیت خود را به‌عنوان کنشگر جدی تثبیت می‌کند. چین و هند وارد میدان میانجی‌گری و فشار بر آمریکا می‌شوند.	اجماع بین‌المللی علیه ایران شکل می‌گیرد. منطقه به سمت بی‌ثباتی امنیتی و باز ترکیب اتحادهای سیاسی سوق می‌یابد.
محیط‌زیستی	در سطح تهدید باقی می‌ماند. اثر مستقیمی بر محیط زیست ندارد.	احتمال نشت نفت و آلودگی موضعی وجود دارد. در صورت تداوم، آثار تجمعی شکل می‌گیرد.	نشت گسترده نفت، آلودگی دریایی، تخریب اکوسیستم‌ها و تأخیر در سیاست‌های اقلیمی پدید می‌آید.

۵- پیامدها برای ایالات متحده و غرب

هرچند بخش عمده محموله‌های نفتی عبوری از تنگه هرمز به مقصد کشورهای آسیایی حرکت می‌کنند، اما نکته اصلی این است که شدیدترین پیامدهای اجتماعی و سیاسی بحران هرمز در خودِ غرب، به‌ویژه ایالات متحده، بروز می‌کند. دلیل این پدیده در «ویژگی ساختاری» اقتصاد آمریکا نهفته است: در این کشور قیمت بنزین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های روانی و سیاسی است. افزایش چند ده‌سنتی قیمت هر گالن می‌تواند در چند روز جهت‌گیری رسانه‌ها، اعتماد مصرف‌کننده، و فضای انتخاباتی را تغییر دهد.



در سناریوهای S^۱ تا S^۳، با هر پله تشدید بحران، قیمت بنزین آمریکا به ترتیب به حدود ۴ دلار، ۴.۵ تا ۵ دلار، و ۵.۵ تا ۶ دلار می‌رسد. این ارقام تنها عدد نیستند؛ بلکه معادل افزایش فشار بر میلیون‌ها خانوار، رشد هزینه‌های حمل‌ونقل، جهش قیمت کالاهای مصرفی، و کاهش محسوس قدرت خرید هستند. در سناریوی سوم، این فشار به حدی می‌رسد که احتمال شکل‌گیری اعتراضات شهری و نارضایتی گسترده بسیار بالا می‌رود، مشابه بحران انرژی دهه ۱۹۷۰، اما با سرعت انتشار مدرن شبکه‌های اجتماعی.

در اروپا نیز پیامدها شدید است. کشورهایی که به LNG قطر، انرژی‌های وارداتی خلیج فارس، یا نفت خام بازارهای جهانی وابسته‌اند، با افزایش قیمت برق، کاهش رقابت‌پذیری صنایع و تشدید فشار تورمی روبه‌رو می‌شوند. کشورهای جنوب اروپا به‌طور ویژه آسیب‌پذیرند و نارضایتی اجتماعی می‌تواند شکاف سیاسی میان دولت‌ها و اتحادیه اروپا را افزایش دهد.

در نهایت، پیام اصلی این است: بحران در هرمز، حتی بدون درگیری تمام‌عیار، می‌تواند به سرعت به یک بحران اجتماعی و سیاسی در آمریکا و اروپا تبدیل شود. حساسیت بالای این کشورها به قیمت انرژی، تنگه هرمز را از یک گذرگاه ژئوپولیتیکی فراتر برده و به یکی از مؤثرترین متغیرهای شکل‌دهنده به سیاست داخلی غرب تبدیل کرده است.

۶- جمع‌بندی نهایی

تنگه هرمز صرفاً یک گذرگاه دریایی نیست؛ بلکه یکی از ستون‌های اصلی نظم انرژی جهان به‌شمار می‌آید. هرگونه تهدید، اختلال یا اقدام نظامی در این منطقه (حتی بدون بسته‌شدن کامل آن) قادر است موجی از پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و ژئوپولیتیکی را در سراسر جهان فعال کند. در این گزارش نشان داده شد که حتی سناریوی اختلال جزئی می‌تواند قیمت جهانی نفت را افزایش دهد، قیمت بنزین آمریکا را به آستانه روانی ۴ دلار برساند و فضای سیاسی این کشور را متأثر سازد. سناریوی انسداد موقت بحران را به‌مراتب تشدید کرده و اثر آن بر اروپا و آمریکا از سطح اقتصادی فراتر رفته و وارد عرصه اجتماعی و انتخاباتی می‌شود. اما سناریوی سوم (انسداد کامل) به‌معنای یک شوک ساختاری است که می‌تواند اقتصاد جهانی را وارد رکود کرده و در خود غرب موج‌های اعتراضی و بی‌ثباتی سیاسی ایجاد کند.



نکته کلیدی این است که بیشترین پیامدهای اجتماعی و سیاسی بحران در کشورهایی ظاهر می‌شود که کمترین وابستگی فیزیکی را به جریان هرمز دارند؛ یعنی ایالات متحده و اروپا. این پارادوکس نتیجه ساختار بازار جهانی انرژی و حساسیت شدید جوامع غربی به قیمت سوخت است.

در سطح ژئوپولیتیکی نیز هر سه سناریو نشان می‌دهند که فشار و تحریم بدون کانال‌های بازدارندگی پایدار ممکن است هزینه‌های غیرقابل‌انتظاری برای غرب ایجاد کند. به بیان دیگر، ثبات در خلیج فارس نه فقط یک نیاز منطقه‌ای، بلکه یک ضرورت راهبردی برای غرب است. جهان امروز آن قدر به هم پیوسته است که امنیت انرژی در هرمز، مستقیماً به امنیت اقتصادی و اجتماعی آمریکا و اروپا گره خورده است.